

اعتبارسنجی منابع حدیثی در پرتو تحلیل مضامین فراگیر (مطالعه موردی احادیث کتاب کفایة الأثر)

محمد عترت دوست^۱

سید مصطفی قهاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶، صفحه ۱۳ تا ۴۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

احادیث پیامبر اسلام (ص) یکی از منابع گران بها و ارزشمند در بیان مبانی دین و تفسیر حقیقی آن است. در این میان، احادیثی که در بیان فضیلت و جایگاه اهل بیت (ع) صادر شده، از ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و لازم است با تأمل بیشتری مورد مطالعه و تحقیق و بررسی قرار گیرند. بخش عمده‌ای از این احادیث در کتاب «کفایة الأثر فی النصوص علی الاثمه الاثنی عشر (ع)» تألیف خزاز رازی جمع‌آوری شده که به دلایلی در طول تاریخ مغفول واقع شده و حتی برخی، احادیث آن را تضعیف کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده به منظور اعتبارسنجی متنی و محتوایی احادیث این کتاب، با استفاده از روش «تحلیل مضمون» به استخراج مضامین و مقوله‌های کلیدی احادیث این کتاب پرداخته و ضمن استخراج شبکه مضامین آن‌ها، مؤیدات معتبری از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت ارائه نماییم. نتایج تحقیق بیانگر استخراج ۵۷۵ مضمون پایه از ۱۲۵ حدیث نقل شده در این کتاب است که مجموعه آن‌ها را می‌توان در پنج دسته مضامین سازمان دهنده و دو مضمون فراگیر «تبیین جایگاه کلی اهل بیت (ع)» و «معرفی ائمه شاخص» دسته‌بندی نمود. در بخش اول، نام و تعداد و ویژگی‌های کلی اهل بیت (ع) معرفی شده و در بخش دوم به صورت ویژه برخی از خصوصیات و ویژگی‌های ائمه شاخص مانند: امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام مهدی (ع) و به صورت خاص حضرت زهرا (س) معرفی شده است که به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها بخشی از آن‌ها گزارش می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد حدیث، اعتبارسنجی کتب حدیثی، نصوص اهل بیت (ع)، شبکه مضامین، روش تحلیل مضمون.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

etratdoost@sru.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران:

sg.h.mostafa@gmail.com

درآمد

از مهم‌ترین وظایف پیامبران الهی، معرفی و شناخت و دعوت اقوام خود، به‌سوی مسیر حق و صواب بوده است. چنانکه خداوند در قرآن کریم فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم: ۴). بی‌شک این امر از جانب همه پیامبران صورت گرفته و هر پیامبری، خبر و وعده جانشین یا پیامبر بعد از خود را به قوم خود رسانیده است. از آنجایی که مسئله نبوت با پیامبری حضرت محمد(ص) پایان یافته، بر ایشان از جانب خداوند متعال ابلاغ شد که ایشان نیز همانند انبیای پیشین، اوصیا و جانشینان خود را برای قوم خود معرفی کرده و مردم را به‌سوی آن‌ها دعوت کند. براین اساس وظیفه پیامبر اسلام این بوده که انسان‌ها را به پیروی از اهل بیت(ع) دعوت کند تا همگان راه حقیقی شناخت اسلام و فهم قرآن و سنت پیامبر را بشناسند و از آن‌ها پیروی و تبعیت کنند و به معرفت حقیقی نسبت به خداوند برسند. امام صادق(ع) در این زمینه، در حدیثی نورانی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْضَحَ بِأَمَّةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ وَابْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مَنْهَاجِهِ وَفَتَحَ بِهِمْ عَنْ بَاطِنِ يَنَابِيعِ عِلْمِهِ فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدًا (ص) وَأَجَبَ حَقَّ إِمَامِهِ وَجَدَ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَعَلِمَ فَضْلَ طَلَاوَةِ إِسْلَامِهِ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَصَبَ الْإِمَامَ عَلَمًا لَخَلْقِهِ وَجَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ مَوَادَّةٍ وَعَالَمِهِ وَالْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ وَغَشَاهُ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ يُمَدُّ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ مَوَادَّةٌ وَلَا يَنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجِهَةِ أَسْبَابِهِ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَعْمَالَ الْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ فَهُوَ عَالِمٌ بِمَا يَرُدُّ عَلَيْهِ مِنْ مُلْتَبَسَاتِ الدُّجَى وَمُعْمِيَّاتِ السُّنَنِ وَمُشَبَّهَاتِ الْفِتَنِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۰۳/۱).

همانا خداوند عزوجل، به‌وسیله امامان راهنما از خاندان پیامبر ما، دین خود را روشن کرد و راه راست خود را به‌وسیله ایشان آشکار ساخت و به دست ایشان راه رسیدن به سرچشمه‌های دانش خود را گشود؛ پس هر کس از امت محمد(ص)، حق امام خود را چنان‌که واجب است بشناسد، طعم شیرین ایمان را خواهد چشید و از برتری لطف و زیبایی اسلام آگاه خواهد شد؛ زیرا که خداوند متعال، امام را همچون نشانه و پرچمی برای آفریدگان خود برافراشته و او را حجّتی برای روزی خواران اهل جهانش قرار داده و تاج وقار بر سر او نهاده و به نور جبروتش او را پوشانیده است. [امام] از طریقی با آسمان ارتباط دارد و فیوضات آسمانی از وی بریده نمی‌شود؛ و جز به‌واسطه امام، به آنچه نزد خدا هست دسترسی نیست و خدا اعمال بندگان را جز با معرفت امام نمی‌پذیرد؛ این است که امام آگاه است از مسائل نامعلوم و سنت‌های پیچیده و فتنه‌های شبهه‌آفرین.

طرح مسأله

با توجه به اهمیت جایگاه ویژه اهل بیت (ع) و چگونگی بیان آن از طرف پیامبر اکرم (ص)، ضرورت دارد که به بازمینی مجدد احادیث آن حضرت (ص) در رابطه با اهل بیت (ع) پرداخته شود و با روش‌های مختلف تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور، مجدد این احادیث را مورد بررسی قرار داد. بی‌شک ضرورت استفاده از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و جدید بدین خاطر است که می‌توان از نتایج و یافته‌های تحقیق به‌گونه‌ای مستند و مستدل دفاع نموده و جایگاه و مقام اهل بیت (ع) را به‌گونه‌ای صحیح به جامعه علمی معرفی نمود. لذا در این پژوهش به‌صورت مطالعه موردی، احادیث کتاب «کفایة الاثر فی النص علی الائمة اثنی عشر (ع)» به‌عنوان یکی از منابع حدیثی متقدم شیعه که به‌صورت تخصصی احادیث مرتبط با مسئله ولایت و وصایت اهل بیت (ع) را جمع‌آوری نموده، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش آن است که از رهاورد تحلیل مضامین پایه و سازمان دهنده احادیث این کتاب، ابتدا به مضامین فراگیر آن دست پیدا کرده و در گام دوم بر پایه تحلیل آن مضامین، به اعتبارسنجی محتوای کتاب بر اساس آموزه‌های قابل قبول مذهب تشیع پرداخته و اعتبار کلی محتوای کتاب را مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور پس از معرفی مؤلف و ارائه گزارشی از اعتبار کتاب در نزد عالمان و محققان و تبیین روش تحقیق این مقاله، نتایج تحقیق پیرامون سنجش فراوانی مضامین پایه احادیث کتاب و دسته‌بندی آنها را ارائه نموده و در بخش اصلی به تحلیل کیفی و توصیفی مضامین فراگیر در دو بخش جایگاه کلی اهل بیت (ع) و جایگاه اختصاصی آنها خواهیم پرداخت.

۱. معرفی مؤلف و انگیزه وی از نگارش کتاب

ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الخزاز الرازی که به خزاز قمی نیز مشهور است، از عالمان شیعه زیسته در نیمه دوم قرن چهارم است که از شیخ صدوق و ابومفضل شیبانی نقل روایت کرده و هم‌عصر با ایشان بوده است. شیخ طوسی در الفهرست، ایشان را اهل ری معرفی می‌کند که در همان منطقه نیز از دنیا رفته است: «علی الخزاز الرازی متکلم جلیل له کتب فی الکلام و له أنس بالفقه و کان مقیماً بالرّی و بها مات» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۹۰). از اسانید روایاتی که در کتاب کفایة الاثر ذکر شده، می‌توان دریافت که ایشان، شاگرد افرادی بوده که بیشتر آنها از فقها و بزرگان شیعه به شمار می‌آمدند. خزاز را زی یکی از افرادی است که علمای رجال به توافق، از او به‌عنوان شخصی ثق و مورد اعتماد تعبیر کرده‌اند. به‌عنوان نمونه شیخ طوسی در رجال و فهرست از او به‌عنوان متکلم جلیل نام برده است: «علی أحمد بن علی الخزاز، نزیل الری، یکنی أبا الحسن، متکلم جلیل» (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۴۳۰) و «علی الخزاز الرازی متکلم جلیل له کتب فی الکلام و له أنس بالفقه و کان مقیماً بالرّی و بها

مات» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۹۰). نجاشی او را ثقه و فقیهی مشهور و مورد توجه معرفی کرده است: «علی بن محمد بن علی الخزاز ثقة من أصحابنا، أبو القاسم و كان فقیها و جها له كتاب الإيضاح فی أصول الدین علی مذهب أهل البيت (ع)» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۶۸).

در دوران زندگی شیخ خزاز رازی، افکار و نظریات متعددی از جانب مذاهب مختلف از جمله معتزله مطرح شده و گسترش پیدا کرده است. با گسترش عقاید و نظرات معتزله در قرن چهارم، مجالس مناظره بین شخصیت‌های شاخص معتزله همچون ابوهاشم جبائی، ابوالقاسم کعبی، قاضی عبدالجبار معتزلی و... و علمای دیگر شکل گرفته و هر دو طرف در مناظره به بیان نظرات خود پرداخته و جدل می‌کردند. اعتقاد علمای شیعه و پیروان اهل بیت (ع) این است که در هر زمانی، امام و حجتی از جانب خداوند وجود دارد که خداوند به وسیله او، نسبت به بندگان مکلف خود، احتجاج می‌کند. از این رو از دیدگاه امامیه، حجت خدا که به عنوان پیشوای دین از جانب خدا منصوب شده است، باید از هرگونه خطا و اشتباه مصون باشد و دارای مقام عصمت باشد و نسبت به تمام علوم دین، اطلاع کافی داشته باشد و از نظر فضیلت و جایگاه نیز، در بالاترین درجات و مراتب باشد. همچنین به اعتقاد امامیه، امامت امام با معجزه و نصّ در مورد آن امام همراه است که این موارد، درباره امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) از جانب رسول خدا (ص) صادر شده و ایشان در روایات مختلف، با نصّی صریح بر امامت این انوار مقدس تأکید فرموده‌اند.

در مقابل، اعتقاد معتزله به مسئله امامت خلاف نظریه امامیه است؛ ایشان معتقدند که جایز است زمانی بر مردم بگذرد که زمین خالی از امام و حجت الهی باشد و اینکه جایز می‌دانند که امام دارای خطا و اشتباه باشد و امامت کسی را که هیچ معجزه و نصّی در مورد او صادر نشده را نیز جایز می‌دانند و اجماع ایشان است که امام می‌تواند از غیر بنی‌هاشم باشد؛ از همین رو، معتزله نصوص پیامبر اسلام (ص) مبنی بر امامت امیرالمؤمنین (ع) به عنوان امام بعد از او و جانشینی ایشان را انکار می‌کنند و همچنین امامت امامان بعد از امیرالمؤمنین (ع) را نیز انکار می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ق-الف، ۳۹). از آنجایی که عقاید معتزله در مسئله امامت، با نظر امامیه متفاوت است و این وجه افتراق در دو موضوع است. اول: استمرار امامت و خالی نبودن زمین از حجت الهی و دوم: اثبات امامت و ولایت با نص، این مسئله باعث شد که علمای شیعه در قرن سوم و چهارم به نگارش کتبی پردازند تا از این مسئله دفاع کرده و شبهات مطرح شده نسبت به مسئله امامت را پاسخ دهند. از جمله کتاب‌هایی که در این دوران نوشته شد، عبارت‌اند از:

۱- الامامه و التبصره من الحیره از ابن بابویه پدر شیخ صدوق

۲- المستترشد فی امامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب از طبری آملی کبیر

۳- دلایل الإمامه از طبری آملی صغیر

۴- اثبات النص علی الأئمة از شیخ صدوق

۵- مقتضب الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر از ابن ابی عیاش جوهری

۶- الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار از شیخ ابوالفتح کراچکی که در آن، نصوص وارد

از طریق شیعه و سنی را در مورد امامت اهل بیت (ع) آورده است.

۷- کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر از خزاز رازی.

خزاز رازی در مقدمه کتاب کفایة الاثر سبب نگارش این کتاب را بیان کرده و سعی بر این دارد که شبهات و نظریاتی که از جانب معتزله در مطرح شده را پاسخ داده و رد کند. ایشان در مقدمه کتاب می‌نویسد: «اما بعد: پس همانا آن چیزی که انگیزه‌ای در من ایجاد کرد تا به جمع‌آوری این روایات از اصحاب و اهل بیت معصومین (ع) در نصوص و احادیثی که اثبات‌کننده حقانیت ائمه معصومین (ع) است، بپردازم این بود که همانا من، گروهی از ضعیفان شیعه و علمای فاقد علم کافی را یافتم که در مورد حقانیت اهل بیت (ع) سرگردان و عاجز بودند و از کثرت شبهاتی که در این مورد وارد شده بود و همچنین از نزاع‌های معتزله که در صدد مشتبه نمودن امر و فریب دادن شیعیان در این زمینه بود، شکایت می‌کردند؛ تا آنجا که وضعیت ضعیفان شیعه به‌جایی رسیده بود که روایات دلالت‌کننده بر حقانیت معصومین (ع) را انکار می‌کردند و آن‌ها را برای پاسخگویی به این شبهات، کافی نمی‌دانستند و گمان می‌کردند که این روایات، نمی‌تواند جوابگوی این شبهات باشد، به‌نحوی که برخی از ضعیفان شیعه، زیاده‌روی کرده و گمان می‌کردند که اصلاً روایتی از صحابه در این مورد، وارد نشده و از اهل بیت (ع) نیز روایتی در این مورد، وجود ندارد. پس زمانی که این وضعیت را مشاهده کردم که این چنین ضعیفان شیعه دچار سرگردانی شده‌اند، بر خودم لازم دانستم که به‌قصد کسب رضایت خداوند عزوجل و تقرّب و نزدیکی به رسول خدا و ائمه معصومین (ع)، در این باب نهایت جستجو و تلاش را انجام دهم و بیانات و ادله‌ای که در اختیار دارم را آشکار کنم و شبهات مطرح شده از جانب مخالفین را، باطل نمایم» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۷).

۲. اعتبارسنجی کتاب کفایة الاثر

طبق بررسی‌هایی که در اسناد روایات نقل شده در کتاب کفایة الاثر انجام شده، اساتید و کسانی که شیخ خزاز رازی از ایشان روایت نقل کرده است، به شرح زیر است که اکثر آن‌ها از علمای ثقه و برجسته تشیع به حساب می‌آیند:

۱- محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی معروف به شیخ صدوق

- ۲- ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبدالله بن حسن بن عیاش جوهری صاحب کتاب «مقتضب الأثر فی إمامه الإثنی عشر»
- ۳- محمد بن وهبان البصری الهنائی
- ۴- محمد بن جعفر بن محمد التیمی الکوفی معروف به ابن نجار
- ۵- محمد بن عبدالله بن حمزه که برادر زاده حسن بن حمزه المرعشی که از شیوخ شیخ صدوق است.

- ۶- ابو علی احمد بن اسماعیل السلیمانی یا السلمانی
 - ۷- ابو عبدالله الحسین بن محمد بن سعید الخزاعی
 - ۸- علی بن حسن بن محمد بن منده
 - ۹- ابوالفرج المعافی بن زکریا البغدادی معروف به ابن طراز
 - ۱۰- محمد بن عبدالله بن مطلب ابوالمفضل شیبانی
- در بین اسامی ذکر شده، شیخ خزاز رازی بیشتر از ابوالمفضل شیبانی روایت نقل کرده است که گاهی از این جهت، به روایات کتاب کفایه الأثر خدشه وارد می‌کند؛ زیرا شخصیت ابوالمفضل شیبانی جای بررسی و تحلیل دارد؛ اما شیخ خزاز در موارد مختلف، زمانی که از ابوالمفضل شیبانی روایت نقل کرده، از تعبیر «رضی الله عنه» یا «رحمه الله» استفاده کرده است. در مورد شخصیت ابوالمفضل شیبانی، نجاشی در موارد متعددی از وی یاد می‌کند و می‌گوید: «وی عمرش را در راه طلب حدیث گذاشت و اصالتاً اهل کوفه است و در ابتدای امر، ثابت قدم بود ولی بعد، از این ثبات قدم خارج شد و عده زیادی از اصحاب را دیدم که او را قبول نداشته و مورد طعن قرار داده‌اند، برای او کتاب‌های زیادی است. من این شیخ را دیده و از او بسیار روایت شنیده‌ام، اما بعد از مدتی به نقل مستقیم از او توقف کرده و با واسطه از وی نقل روایت کردم» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۹۶).

نجاشی در ترجمه «علی بن حسین بن علی مسعودی» که ظاهراً نگارش این ترجمه بعد از وفات ابوالمفضل شیبانی بوده است، برای ابوالمفضل شیبانی طلب رحمت می‌کند و می‌گوید: «ابوالمفضل شیبانی که خدا او را رحمت کند مدعی شده است که او را ملاقات کرده از او طلب اجازه کرده است» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۵۴). چنین تعبیری معمولاً نشان‌دهنده امامی بودن شخص است و با توجه به مطلبی که درباره شیبانی گفته شده و او را خارج از ثبات قدم دانسته، توجه به این مطلب نجاشی مهم است و شاید نشان می‌دهد در نظر او، ابوالمفضل شیبانی جزو اصحاب امامیه بوده و بر همین حالت از دنیا رفته است، هرچند ممکن است لغزش‌هایی در او دیده شده باشد، چنانچه برخی از علمای رجال نیز، شیبانی را شخصی غالی و غیرثقه معرفی کرده‌اند.

با بررسی روایات «کفایه الأثر» بیش از بیست روایت وجود دارد که ابوالفضل شیبانی در سلسله سند آن قرار گرفته است و در برخی از آن‌ها، شیبانی از شیخ کلینی روایت نقل کرده است. با توجه به شخصیت شیخ خزاز رازی و ثقه و مورد اعتماد بودن ایشان نزد تمام علمای رجالی، می‌توان گفت ایشان، روایاتی را از ابوالفضل شیبانی نقل کرده است که قرینه‌ای بر صحت آن داشته است؛ زیرا ضعف نزد قدما، نقل منفردات بوده است. به این معنا که اگر راوی ضعیف، واسطه نقل واقع می‌شد، مشکلی در نقل حدیث نبود؛ اما اگر در جایگاه نظریه‌پردازی قرار می‌گرفت و منفرداتی نقل می‌کرد، مورد پذیرش واقع نمی‌گردید؛ پس لزوماً ضعف راوی به معنای کنار گذاشتن وی نبود، بلکه به حیثیت روایی او توجه می‌شد. همچنین احتمال دارد روایاتی که خزاز رازی از شیبانی نقل کرده است، مربوط به دوره استقامت وی باشد و با توجه به اینکه نگارنده کتاب مانند نجاشی در موارد متعددی برای شیبانی طلب مغفرت و رضوان الهی کرده است، می‌توان به این نتیجه رسید که از نظر او نیز، شیبانی مشکل عقیدتی نداشته و می‌توان به روایات او اعتماد کرد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه بسیاری از احادیث کتاب *کفایه الأثر* در کتب حدیثی معتبر شیعه از جمله *کافی*، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، *عیون اخبار الرضا* و ... نیز دیده می‌شود که این مسئله، موجب اعتبار یافتن روایات *کفایه الأثر* می‌شود. همچنین لازم به ذکر است که بسیاری از علمای شیعه در طول تاریخ در آثار خود از کتاب *کفایه الأثر* نقل روایت کرده‌اند مانند: ابن شهر آشوب که در کتاب *المناقب* خود بعد از نقل روایاتی در مورد امامان معصوم (ع)، به کتاب *کفایه الأثر* استناد کرده و می‌نویسد: «پس کفایت می‌کند تو را کتاب *«کفایه فی النصوص»* از خزاز قمی که ۱۵۵ روایت از طرق بسیار از اصحاب پیامبر در شأن امامان معصوم نقل کرده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۱/۲۹۳).

سید محسن امین صاحب کتاب *اعیان الشیعه* نقل می‌کند که نسخه‌ای از کتاب *کفایه الأثر* در کتابخانه آل سلیمان لبنان موجود است که قدیمی‌ترین نسخه این کتاب بوده و در آن اجازه سماع و قرائت شاذان بن جبرئیل قمی از علمای قرن ششم به خط خودش پس از قرائت کامل کتاب توسط «محمد بن عبدالله بن علی بن زهره حلبی» در حضور پدرش که در این اجازه، طریق روایت کتاب تا مؤلف آمده، ذکر شده است که این مطلب نشانگر اعتبار این کتاب نزد عالم شیعه جناب شاذان بن جبرئیل و همچنین ابن ادریس است (امین، ۱۳۶۸ق، ۲/۲۹۰).

علی بن حسن طبرسی در کتاب *مشکات الانوار* (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۴۲) و عبدالکریم بن احمد بن طاووس متوفی ۶۹۳ق در کتاب *فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی (ع)* (ابن طاووس، بی‌تا، ۱۳۵) نیز به احادیث این کتاب استناد کرده‌اند. علامه مجلسی نیز تمام روایات کتاب *کفایه الأثر* را در ابواب مختلف *بحار الانوار* خود نقل کرده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳/۲۷۸ و ۳۰۳؛ ۴/۵۴ و ...) و در

اعتبارسنجی منابع حدیثی در پرتو تحلیل مضامین فراگیر
(مطالعه موردی احادیث کتاب کفایه الاثر)

مقدمه می‌نویسد: «و کتاب کفایه الاثر، کتاب شریفی که مانند آن در موضوع امامت، تألیف نشده است و نام این کتاب و مؤلف آن، در اجازه علامه حلی و غیر آن ذکر شده‌اند و این تألیف، دلالت می‌کند بر فضل و وثاقت و دین‌داری او و علامه نیز در الخلاصه، می‌گوید که او از ثقات اصحاب ما و از فقیهان سرشناس است و ابن شهر آشوب نیز در «معالم العلماء» می‌نویسد: علی بن محمد بن علی الخزاز الرازی که به او الخزاز القمی نیز گفته می‌شود و برای او کتاب‌هایی در کلام و در فقه است که از جمله کتاب‌های او، کفایه فی النصوص است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱/۲۹).

مطالعه اولیه این کتاب نشان می‌دهد که تعداد ۱۲۵ حدیث از ۲۸ روای با موضوع اثبات ولایت و وصایت اهل بیت به نقل از پیامبر اسلام (ص) در این کتاب جمع‌آوری شده است. ترتیب چیدمانی احادیث این کتاب به گونه‌ای است که ابتدا احادیث منقول از صحابه درج شده و سپس احادیث اهل بیت آمده است تا تلویحاً به این نکته اشاره شود که مسئله ولایت اهل بیت دارای سند و اعتبار گسترده‌ای بوده و اصحاب مختلفی مانند: ابن عباس (۵ روایت)، ابن مسعود (۵ روایت)؛ ابوسعید خدری (۱۰ روایت)؛ جابر بن سمره (۴ روایت)، انس بن مالک (۹ روایت)؛ ابوهریره (۷ روایت)؛ عمر بن خطاب (۲ روایت)؛ عثمان بن عفان (۱ روایت)؛ زید بن ثابت (۵ روایت)؛ زید بن ارقم (۴ روایت) و... در این زمینه احادیث متعددی را مستقیماً از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند.

در این میان شاهد آن هستیم که برخی افراد در اعتبار و صحّت احادیث این کتاب خدشه وارد کرده و احادیث آن را ضعیف معرفی نموده‌اند، لذا به عنوان نمونه سید محمدکاظم طباطبایی در کتاب «منطق فهم حدیث» به دسته بندی کتب حدیثی شیعه در سه رتبه؛ مقبول، ضعیف و مابین این دو پرداخته و در تعریف کتب ضعیف می‌نویسد: «کتاب‌هایی است که اعتماد محض به متون آنها پسندیده نیست و بهتر است به منزله مؤید از آنها استفاده شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۲۷۶). وی در ادامه جدولی از کتب ضعیف ارائه کرده که نام کتاب کفایه الاثر در آن به چشم می‌خورد ولیکن هیچ توضیحی در رابطه با علت این انتخاب و دلایل خود ارائه نکرده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۲۸۰). همچنین سیدحسن موسوی بروجردی نیز در مقاله‌ای با عنوان «چرا کار تکراری نکنیم؟ نقادی بر تحقیق کتاب کفایه الاثر خزاز قمی» که به ظاهر با رویکرد انتقادی نگاشته شده است، شش نقد بر تصحیح این کتاب که توسط آقایان محمدکاظم موسوی و عقیل ربیعی در سال ۱۳۸۷ روانه بازار شده، وارد کرده است که عبارتند از: عدم جستجو درباره نسخه‌های خطی، اشتباه در تشخیص و انتخاب نسخه کفایه، نامگذاری نامناسب کتاب، ضبط نادرست اسما در اسانید، کاستی در استخراج منابع و نواقص مقدمه تحقیق. وی در ادامه با ذکر مثالهایی در هر شش بخش در نهایت بدین نکته اشاره نموده که ارزش حدیثی و اعتقادی و تاریخی کتاب فوق بسیار زیاد بوده و تصحیح کنندگان کتاب

می بایست سعی و تلاش بیشتری برای مقابله نسخه های خطی موجود کتاب و ارائه یک متن صحیح و کامل ارائه میدادند (موسوی بروجردی، ۱۳۹۶ش، ۱۱۳-۱۲۴).

با این وجود در برخی پژوهشها شاهد آن هستیم که با ذکر دلایل و قرائنی، اعتبار کتاب مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال سعید کریمیان، مهدی مهریزی و مژگان سرشار در مقاله ای با عنوان «ببناء کتاب کفایة الاثر تألیف خزاز قمی بر کتب شیخ صدوق» به مطالعه تطبیقی اسناد روایات کتاب کفایة الاثر با کتب شیخ صدوق پرداخته و نشان داده اند که از میان ۲۹ روایتی که مرحوم خزاز از شیخ صدوق نقل کرده است، ۹۸٪ در سند و متن، با روایات موجود در کتب شیخ صدوق شباهت وجود دارد که نشان میدهد مبنای خزاز قمی برای نقل روایت فقط استماع شفاهی نبوده و بلکه اصل کتب حدیثی را در دسترس داشته و نقل مکتوب کرده است (ر.ک: کریمیان و همکاران، ۱۴۰۰، ۹۰-۱۱۲). در مقدمه تحقیقی که توسط محمداکظم موسوی و عقیل ربیعی بر کتاب کفایة الاثر نگاشته شده نیز این مطلب با ذکر قرائن و شواهد دیگری بیان شده است که دسترسی خزاز قمی به منابع کهن حدیثی قابل تأیید می باشد، لذا امروزه در اثر فقدان منابع کهن می توان به این کتاب به عنوان یک منبع دست اول مراجعه نمود (ر.ک: خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۳-۱۶).

همچنین در خصوص پیشینه دیگر پژوهشهای انجام شده بر کتاب کفایة الاثر نیز می توان به مقاله «بررسی عقیده عصمت در روایات کتاب کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر» نوشته صمد عبداللهی عابد و جمشید بیات اشاره کرد که در آن تلاش شده صرفاً مسئله عصمت به واسطه تحلیل سندی و متنی برخی از روایات این کتاب، مورد بحث قرار گیرد. در مقدمه این مقاله نیز شواهد و مؤیداتی مبتنی بر صحّت احادیث این کتاب بیان شده است (ر.ک: عبداللهی عابد و بیات، ۱۳۹۳ش، ۸۷-۱۰۲).

در نهایت باید گفت که در این پژوهش تلاش شده با بررسی مضامین احادیث کتاب به صورت نظام مند و دقیق، شبکه مضامین آنها را ترسیم نموده و مؤیدات هر کدام از مضامین سازمان دهنده و فراگیر را در کتب حدیثی معتبر شیعه و اهل سنت بیان نموده و بدین ترتیب گامی دیگر در راستای اعتبار محتوایی کتاب برداریم.

۳. معرفی روش تحقیق این مقاله

روش تحلیل مضمون، یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است. با استفاده از این روش می‌توان به‌خوبی اطلاعات موجود در داده‌های کیفی را شناسایی نموده و آن‌ها را تجزیه و تحلیل نمود و در نهایت با ترسیم الگوهای متعدد، مهم‌ترین نکات مطرح در داده‌های کیفی را به‌صورت کمی تصویرسازی کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین از جمله فنون و تکنیک‌هایی هستند که معمولاً در روش تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به‌صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد. از خصوصیات دیگر این روش، کارکرد ویژه این روش برای کم کردن حجم انبوه اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها در یک یا چند مضمون اصلی و کلیدی است. درعین حال باید گفت که مهم‌ترین کارکرد این روش، داشتن الگویی برای رسیدن به مضمون اصلی متن یا به عبارت رایج، لبّ کلام است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ش، ۱۵۱).

روش تحلیل مضمون از سه مرحله کلان برخوردار است که عبارت‌اند از: ۱) تجزیه و توصیف متن، ۲) تشریح و تفسیر متن، ۳) ترکیب و ادغام متن که با توجه به این سه مرحله، اقداماتی همچون آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جستجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین و تدوین گزارش صورت می‌گیرد. نقطه آغاز روش تحلیل مضمون، زمانی است که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا شده و فهرست اولیه‌ای از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات مورد توجه آن‌ها را تهیه کرده باشد (عترت دوست و همکاران، ۱۳۹۸، ش، ۱۶۵).

کدگذاری مضامین	مضامین پایه	جهت گیری حدیث	راوی اصلی
۱	جایگاه محب اهل بیت نسبت به پیامبر و امامان	معرفی جانشینان رسول الله	ابوذر غفاری: مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَهْلَ بَيْتِي كُنَّا نَحْنُ وَ هُوَ كَهَاتَيْنِ وَ أَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَ الْوَسْطَى ثُمَّ قَالَ أَحْسَى خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ سَبَطَايَ خَيْرُ الْأَسْبَاطِ وَ سَوْفَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً أَبْرَاراً وَ مِنَّا مَهْدِيٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ الْأُمَّةُ بَعْدَكَ قَالَ عَدَدَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.
۲	جایگاه امیرالمؤمنین		
۳	جایگاه امام حسن و امام حسین		
۴	تداوم امامت از امام حسین		
۵	تعداد امامان به تعداد نقباء بنی اسرائیل		
۶	تعداد امامان به تعداد نقباء بنی اسرائیل	معرفی جانشینان رسول الله	سلمان فارسی: الْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِي بَعْدَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَانُوا إِثْنِي عَشَرَ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَ قَالَ تَسَعَةُ مِنْ صُلْبِهِ وَ التَّاسِعُ مَهْدِيَهُمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُوراً وَ ظُلْمًا فَالْوَيْلُ لِمُبْغِضِيهِمْ
۷	تداوم امامت از نسل امام حسین		
۸	امام زمان نهمین تن از امامان از صلب امام حسین		
۹	نتیجه ظهور امام زمان		
۱۰	عاقبت مبغضین به امامان		
۱۱	معرفی و خصوصیات حواریون مسیح	معرفی جانشینان رسول الله	انس بن مالک: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَنْ حَوَارِيٍّ عَيْسَى فَقَالَ كَانُوا مِنْ صَفْوَتِهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ كَانُوا إِثْنِي عَشَرَ مُجَرَّدِينَ مُكْمَشِينَ فِي نُصْرَةِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لَا زَهْوَ فِيهِمْ وَ لَا ضَعْفَ وَ لَا شَكَّ كَانُوا يَنْصُرُونَهُ عَلَى بَصِيرَةٍ وَ نَفَازٍ وَ جِدٍّ وَ عَنَاءٍ قُلْتُ فَمَنْ حَوَارِيُّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ الْأُمَّةُ بَعْدِي إِثْنِي عَشَرَ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ هُمْ حَوَارِيُّيَ وَ أَنْصَارُ دِينِي عَلَيْهِمْ مِنَ اللَّهِ التَّحِيَّةُ وَ السَّلَامُ.
۱۲	معرفی امامان به عنوان حواریون پیامبر		
۱۳	امامان از نسل حضرت علی و حضرت زهرا		
۱۴	تعداد امامان		

به همین دلیل گفته شده که روش تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است که با این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی به وجود می‌آید و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006, 80).

اعتبارسنجی منابع حدیثی در پرتو تحلیل مضامین فراگیر
(مطالعه موردی احادیث کتاب کفایه الأثر)

این روش به بهتر دیده شدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص یا سازمان یا گروه و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی کمک می‌کند (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴ش، ۵۳).

۴. سنجش فراوانی مضامین پایه احادیث کتاب

در روش تحلیل مضمون، ابتدا به تجزیه و توصیف متن پرداخته می‌شود که این مرحله شامل سه بخش آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری و جستجو و شناخت مضامین است. همچنین پس از انجام این سه مرحله، به تطبیق دادن کدها با قالب مضامین و استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده، به سنجش فراوانی مضامین پرداخته می‌شود. در اینجا با توجه به حجم کم مقاله و اختصار، از درج جدول صرف‌نظر شده است اما باید گفت در مجموع تعداد ۵۷۵ مضمون پایه از احادیث کدگذاری شدند.

۵. دسته‌بندی مضامین پایه برای استخراج مضامین سازمان دهنده

در گام دوم، مجموع مضامین پایه را می‌بایست پس از بازبینی و بازخوانی مکرر در گروه‌های مشخصی دسته‌بندی نمود تا به مضامین سازمان دهنده دست پیدا کرد. در این تحقیق ۵۷۵ مضمون پایه در ۶ دسته کلی تفکیک شدند که به آن‌ها مضامین سازمان دهنده گفته می‌شود. در جدول ذیل سنجش فراوانی هر یک از مضامین سازمان دهنده درج شده است:

سنجش فراوانی کل	سنجش فراوانی مضامین پایه	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۵۱	۱۵	مقام و جایگاه پیامبر در دنیا و آخرت	تبیین جایگاه پیامبر اسلام (ص)
	۱۴	پیشگویی پیامبر از حوادث بعد از وفات خود	
	۲۲	مواعظ و سفارشات	
۸۱	۱۲	سفارشات خدا و پیامبر بر امامت و وصایت امیرالمؤمنین	تبیین جایگاه امیرالمؤمنین (ع)
	۱۲	تعابیری که پیامبر در مورد امیرالمؤمنین به کار بردند	
	۷	امامت امیرالمؤمنین	
	۲۸	فضائل و مقام امیرالمؤمنین	
	۵	همراهی ایشان با حق	
	۳	خلقت نوری ایشان با پیامبر	
۵	جنگ‌های امیرالمؤمنین		

	۹	جایگاه و عاقبت دوستاناران و دشمنان امیرالمؤمنین	
۱۲	۷	جایگاه و خصوصیات حضرت زهرا در دنیا و آخرت	تبیین جایگاه حضرت زهرا(س)
	۲	نتیجه آزار رساندن به حضرت زهرا	
	۳	رفتار پیامبر با حضرت زهرا و احوال ایشان بعد از وفات پیامبر	
۸۴	۵۵	تداوم امامت از نسل امام حسین	تبیین جایگاه امام حسن و امام حسین(ع)
	۸	امامت امام حسن و امام حسین	
	۹	جایگاه امام حسن و امام حسین نزد پیامبر	
	۱۲	فضائل و خصوصیات امام حسن و امام حسین	
۹۷	۴۰	امام زمان از نسل پیامبر و امام حسین است	تبیین جایگاه امام زمان(ع)
	۱۸	خصوصیات و ویژگی‌های امام زمان	
	۲۸	مسائل مربوط به ظهور امام زمان	
	۹	مسائل مربوط به غیبت امام زمان	
	۲	سفارش و لزوم تبعیت از امام زمان	
۲۶۶	۳۴	بیان نام دقیق اهل‌بیت توسط خدا، پیامبر، جبرئیل	تبیین جایگاه اهل‌بیت(ع)
	۵۸	بیان تعداد اهل‌بیت و امامان بعد پیامبر	
	۵	امامان از قریش هستند	
	۱۳۸	لزوم تبعیت از قرآن و اهل‌بیت	
	۳۱	صفات و جایگاه شیعیان و دوستاناران اهل‌بیت و صفات و جایگاه دشمنان ایشان	

جدول فوق بیانگر آن است که بیشترین مضامین مطرح در کلام پیامبر اکرم(ص) با سنجش فراوانی ۲۶۶ مضمون در مورد اهل‌بیت(ع) بوده است که نشان‌دهنده کاربست بالای این اصطلاح و این موضوع در کلام آن حضرت است. پس‌ازآن، مضامین مربوط به امام زمان(ع) با فراوانی ۹۶ مضمون، مضامین مربوط به امام حسن و امام حسین(ع) با فراوانی ۸۴ مضمون، مضامین مربوط به امیرالمؤمنین(ع) با فراوانی ۸۱ مضمون و در پایان مضامین مربوط به پیامبر و حضرت زهرا(ع) نیز به ترتیب با فراوانی ۵۱ و ۱۲ مضمون است. این آمار به‌وضوح بیانگر آن است که پیامبر اکرم(ص) به‌دفعات و در موارد متعدد تلاش داشته‌اند تا در مورد شخصیت و ریشه نَسَبی امام زمان(ع)، اوضاع و شرایط غیبت و اتفاقات و حوادث زمان ظهور، جایگاه و مقام امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و

تداوم نسل امامان از امام حسین (ع) اشاره کرده و به ویژه فضایل و مقام امیرالمؤمنین (ع) را جهت انتصاب از جانب خدا و پیامبر (ص) برای مسئله ولایت جامعه اسلامی بیان کنند. در ادامه این تحقیق به منظور تبیین دقیق مضامین بیان شده در کلام پیامبر اکرم (ص) و نشان دادن کاربست و فواید استفاده از روش تحلیل مضمون برای فهم عمیق و ساختارمند نصوص دینی و نیز با توجه به محدودیت حجم مقاله، صرفاً به تحلیل کیفی و توصیفی مضامین مرتبط با مقوله جایگاه ویژه اهل بیت (ع) پرداخته و به صورت دقیق آنچه در کلام رسول خدا (ص) در رابطه با اهل بیت (ع) بیان شده است را به صورت ساختارمند، تحلیل خواهیم کرد.

۶. تحلیل کیفی و توصیفی مضامین جایگاه کلی اهل بیت (ع)

تحلیل مجموعه احادیث منقول در رابطه با اهل بیت (ع) با روش تحلیل مضمون بیانگر آن است که به صورت کلی سه مضمون فراگیر در تمامی این احادیث به عنوان نخ تسبیح، حلقه وصل مضامین سازمان دهنده و پایه به همدیگر هستند. این سه مضمون فراگیر عبارتند از «تعیین نام و تعداد اهل بیت» و «قریشی بودن اهل بیت» و «بیان خصوصیات و ویژگی های اهل بیت (ع)». به عبارت دیگر پیامبر اکرم (ص) در مجموع احادیث خود تلاش داشته اند تا در گام اول و دوم مجموعه ویژگی های فردی و نسبی اهل بیت (ع) به عنوان امامان و جانشینان بعد از خود را معرفی نموده و در گام سوم به تبیین برخی از ویژگی ها و خصوصیات ایشان و رابطه آن با دیگر ارکان و نهادهای اعتقادی پرداخته و جایگاه والا و مهم این موضوع را برای همگان تشریح نمایند.

از مجموع ۲۶۶ مضمون که در ۵ بخش در مورد اهل بیت (ع)، تقسیم بندی شده، مضامینی به دست آمده است که به بخشی از آن ها اشاره می شود:

۱-۶. تعیین نام و تعداد اهل بیت (ع) توسط خداوند

در بین ۲۶۶ مضمون سازمان دهنده، ۹۲ مضمون درباره اسامی اهل بیت و تعداد امامان بعد از پیامبر (ص) است که در موارد متعدد، پیامبر اسلام (ص) آن را برای صحابه خود بیان فرموده است. روایاتی که در کتاب کفایه الاثر این مضامین را نقل کرده است، عبارتند از:

روایت دوم ابن عباس از پیامبر (ص): همانا وصی من و جانشین پس از من، علی بن ابیطالب (ع) است و پس از وی، دو نوه من حسن و حسین (ع) و سپس، نه نفر از نسل [امام] حسین (ع) که همگی امامانی نیکوکارند، خواهند بود. گفت: ای محمد (ص)! ایشان را برای من نام ببر. فرمود: زمانی که [دوران زندگی و امامت] حسین (ع) به پایان برسد، پسرش علی (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] علی (ع) به پایان برسد، پسرش محمد (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] محمد (ع) به پایان برسد، پسرش جعفر (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و

امامت [جعفر (ع) به پایان برسد، پسرش موسی (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] موسی (ع) به پایان برسد، پسرش علی (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] علی (ع) به پایان برسد، پسرش محمد (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] محمد (ع) به پایان برسد، پسرش علی (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] علی (ع) به پایان برسد، پسرش حسن (ع) [امام] است، پس زمانی که [دوران زندگی و امامت] حسن (ع) به پایان برسد، پس از وی پسرش حجه بن الحسن بن علی (ع) [امام] خواهد بود؛ پس ایشان دوازده امام به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند: «إِنَّ وَصِيَّيَّ وَالْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (ع) تَتْلُوهُ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) أُمَّةٌ أَبْرَارٌ قَالَ يَا مُحَمَّدُ (ص) فَسَمِّهِمْ لِي قَالَ نَعَمْ إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ (ع) فَأَبْنُهُ عَلِيُّ (ع) فَإِذَا مَضَى فَأَبْنُهُ مُحَمَّدُ (ع) فَإِذَا مَضَى جَعْفَرُ (ع) فَإِذَا مَضَى جَعْفَرُ (ع) فَأَبْنُهُ مُوسَى (ع) فَإِذَا مَضَى مُوسَى (ع) فَأَبْنُهُ عَلِيُّ (ع) فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ (ع) فَأَبْنُهُ مُحَمَّدُ (ع) فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدُ (ع) فَأَبْنُهُ عَلِيُّ (ع) فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ (ع) فَأَبْنُهُ الْحَسَنُ (ع) فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ (ع) فَبَعْدَهُ ابْنُهُ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فَهَذِهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلَيَّ عَدَدِ نُبِيَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۴).

روایت اول سلمان از پیامبر (ص): سپس فرمود: همانا آنها اوصیا و خلفای پس از من هستند، امامانی نیکوکار، به تعداد اسباط یعقوب و حواریون عیسی. عرض کردم: ای رسول خدا (ص)! پس آنان را برای من نام ببرید. فرمود: نخستین آنها علی بن ابیطالب (ع) است و بعد از او، دو نوه من و بعد از آن دو، علی (ع) زینت عبادت‌کنندگان و پس از او، محمد بن علی (ع) شکافنده علم پیامبران و [پس از او]، صادق جعفر بن محمد (ع) و [پس از او]، پسرش کاظم (ع) همانم موسی بن عمران و [پس از او] پسرش علی (ع)، آنکه در دیار غربت کشته می‌شود. [پس از او]، پسرش محمد (ع) و دو امام راست‌گو، علی و حسن (ع) و حجت قائم (ع) که در غیبتش، انتظار [ظهورش را] می‌کشند. پس حقیقتاً اینان خاندان من و از خون و گوشت من هستند، علمشان علم من و حکمشان، حکم من است. هرکس با آزردن آنها مرا بیازارد، خداوند از شفاعت من بی‌بهره‌اش سازد: «إِنَّهُمْ هُمُ الْأَوْصِيَاءُ وَالْخُلَفَاءُ بَعْدِي أُمَّةٌ أَبْرَارٌ عَدَدَ أَسْبَاطِ يَعْقُوبَ وَ حَوَارِيَّ عِيسَى قُلْتُ فَسَمِّهِمْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ أَوْلَاهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ بَعْدَهُ سِبْطَايَ وَ بَعْدَهُمَا عَلِيُّ (ع) زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَ بَعْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع) وَ ابْنُهُ الْكَاطِمُ (ع) سَمِيُّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ الَّذِي يُقْتَلُ بِأَرْضِ الْغُرَبَةِ ابْنُهُ عَلِيُّ (ع) ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ (ع) وَ الصَّادِقَانِ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ (ع) وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ (ع)» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۴۲).

روایت دوم ابوایوب انصاری از پیامبر (ص): گفتیم: رسول خدا (ص) تعداد امامان را تا چند امام برای تو برشمرده است؟ گفت: دوازده امام. گفتیم: پس آیا ایشان را برایت نام برده است؟ گفت: آری!

همانا او فرمود: چون مرا به وی آسمان بالا بردند، به پایه عرش نگاه کردم، پس دیدم بر روی آن با نور نوشته شده: «نیست معبودی جز الله و محمد(ص) رسول خداست، او را به علی(ع) مؤید نموده و به علی(ع) نصرت دادم» و دیدم که پس از نام علی(ع)، یازده نام با نور چنین نوشته شده است: «حسن و حسین و علی و علی و محمد و محمد و جعفر و موسی و حسن و حجت(ع): «قُلْنَا فَكَمْ عَهْدَ إِلَيْكَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَنْ يَكُونَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ قَالَ اثْنَا عَشَرَ قُلْنَا فَهَلْ سَمَّاهُمْ لَكَ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُ قَالَ (ص) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نَظَرْتُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَإِذَا هُوَ مَكْتُوبٌ بِالنُّورِ «أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ (ص) رَسُولَ اللَّهِ أَيَّدْتُهُ بِعَلِيِّ (ع) وَ نَصَرْتُهُ بِعَلِيِّ (ع)» وَ رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ اسْمًا مَكْتُوبًا بِالنُّورِ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بَعْدَ عَلِيِّ (ع) مِنْهُمْ «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيًّا عَلِيًّا عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ (ع)» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۱۸).

در این رابطه، احادیث متعددی به عنوان مؤید در دیگر کتب حدیثی دیده می شود که به مواردی اشاره می شود:

۱- جابر بن عبدالله انصاری گوید: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ (س) وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَ لَدِهَا فَعَدَدْتُ أُنْتِي عَشَرَ آخِرِهِمُ الْقَائِمِ (ع) ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ (ع) وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵۳۲/۱).

۲- جابر بن عبد الله انصاری گوید: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ قَدَامَهَا لَوْحٌ يَكَادُ ضَوْؤُهُ يَعْشَى الْأَبْصَارَ وَ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ اسْمًا ثَلَاثَةٌ فِي ظَاهِرِهِ وَ ثَلَاثَةٌ فِي بَاطِنِهِ وَ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءُ فِي آخِرِهِ وَ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءُ فِي طَرَفِهِ فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ اثْنَا عَشَرَ قُلْتُ أَسْمَاءُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَتْ هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أُولَئِهِمْ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَ لَدِي آخِرِهِمُ الْقَائِمُ قَالَ جَابِرٌ فَرَأَيْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ وَ عَلِيًّا عَلِيًّا عَلِيًّا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۴۶۱).

۳- از فضل بن شاذان مروی است: سَأَلَ الْمَأْمُونُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا (ع) أَنْ يَكْتُبَ لَهُ مَحْضَ الْإِسْلَامِ عَلَى سَبِيلِ الْإِيْجَازِ وَ الْإِخْتِصَارِ فَكَتَبَ (ع) لَهُ ... أَنَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ لَّا شَبَهَ لَهُ وَ لَّا ضِدَّ لَهُ وَ لَّا نَدَّ لَهُ وَ لَّا كُفَاءَ لَهُ ... وَ أَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَ خَلِيفَتَهُ وَ وَصِيَّهُ وَ وَكِيَّهُ وَ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرَى الْمُحْجَلِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ وَارِثُ عِلْمِ الْوَصِيِّينَ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ الْكَاطِمُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ

عَلِيٍّ ثُمَّ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَشْهَدُ لَهُمْ بِالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱/۲۲۲).

۴- رسول خدا(ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُسْرَى بِي يَا مُحَمَّدٌ مَنْ خَلَقْتَ فِي الْأَرْضِ عَلَى أُمَّتِكَ وَهُوَ أَعْلَمُ بِذَلِكَ قُلْتُ يَا رَبُّ أَخِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَلَا أَذْكَرُ حَتَّى تُذْكَرَ مَعِيَ فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً أُخْرَى فَأَخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيكَ فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ ثُمَّ شَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَيَاتِهِمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَمَنْ جَحَدَهَا كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ ثُمَّ لَقِيَنِي جَاحِدًا لَوْلَايَتِهِمْ أَذْخَلْتُهُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ أَ تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ تَقَدَّمَ أَمَامَكَ فَتَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيٌّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ فِي وَسْطِهِمْ فَقُلْتُ يَا رَبُّ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ وَهَذَا الْقَائِمُ مُحَلَّلٌ حَلَالِي وَمُحَرَّمٌ حَرَامِي وَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي يَا مُحَمَّدُ أَحْبَبُهُ فَإِنِّي أَحْبَبُهُ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۹۴).

ذکر اسامی اهل بیت از جانب پیامبر(ص) و تصریح ایشان به اینکه در شب معراج، اسامی این ذوات مقدسه را بر ساق عرش دیده‌اند و همچنین معین کردن تعداد امامان، بیانگر این است که منصب امامت تمام امامان، از جانب خداوند متعال تعیین شده و نصب امامان همچون نصب پیامبران، باید از طرف خداوند باشد و پیامبر طبق وظیفه خود، این اسامی و القاب و ویژگی‌ها را نزد صحابه و مردم بیان فرمودند تا راه حقیقی به سوی خداوند را به همگان نشان داده و معرفی کنند.

۲-۶. اهل بیت(ع) از قریش هستند

مقصود از قریشی بودن امامان، این است که نسب آنها به نضر بن کنانه بازگردد. اکثر معتزله، اشعریه و فرقی دیگر قریشی بودن را از شرایط امام دانسته‌اند. آنان به حدیث الأئمة من قریش استدلال می‌کنند. از نظر شیعه، امامت به قریش اختصاص دارد، ولی شامل همه طوایف و قبایل قریش نمی‌شود، بلکه ویژه قریشان از نسل هاشم است. به تعبیر دیگر، علمای شیعه صفت قریشی بودن را مشروط به صفت هاشمی بودن می‌کنند و دلیل آنها، هم حدیث الأئمة من قریش است و هم احادیثی همچون حدیث ثقلین و مانند آن است که امامت را مخصوص امیرمؤمنان و خاندان او از ذریه حضرت زهرا می‌داند. به علاوه اینکه امیرمؤمنان(ع) در این باره فرموده است: «إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ عُرِسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ لَا تَصْلُحُ عَلَيَّ سِوَاهُمْ وَلَا تَصْلُحُ الْوُلَاءُ مِنْ غَيْرِهِمْ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ۲۰۱).

بی شک امامان از قریش هستند، که درخت وجودشان در این تیره از خاندان هاشم غرس شده، این منزلت شایسته دیگران نیست و والیان دیگر صلاحیت این مقام را ندارند. ۵ مضمون در این رابطه به دست آمده که ریشه و نسل امامان را معرفی می کند تا افراد دیگری خود ادعای امامت نکنند و موجب گمراهی انسان ها نشوند. ابن مسعود نقل کرده که شنیدم رسول خدا(ص) می فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند، همگی از قریش هستند: «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۷).

ابو امامه اسعد بن زراره نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: امامان پس از من، دوازده نفر هستند؛ همگی از قریش اند؛ نه نفر از نسل [امام] حسین(ع) و مهدی(ع) از آنان است: «عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِي أُمَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) وَ الْمَهْدِيِّ (ع) مِنْهُمْ» (همان، ۱۰۶).

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند. سپس فرمود: همگی از قریش اند: «عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ ثُمَّ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (همان، ۴۴).

همچنین در دیگر کتب حدیثی نیز روایات مؤید این بحث نقل شده است، مانند:

۱- سلمان فارسی گوید: «لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ صَنَعَ النَّاسُ مَا صَنَعُوا وَ خَاصَمَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ الْأَنْصَارِيُّ فَخَصَمُوهُمْ بِحُجَّتِهِ عَلَيَّ (ع) قَالُوا يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ قُرَيْشٌ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنْكُمْ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مِنْ قُرَيْشٍ وَ الْمُهَاجِرِينَ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَدَأَ بِهِمْ فِي كِتَابِهِ وَ فَضَّلَهُمْ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْأَئِمَّةُ مِنْ قُرَيْشٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۴۳/۸).

۲- مسروق گوید: «كُنَّا عِنْدَ ابْنِ مَسْعُودٍ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَدْنَيْتُمْ نَبِيَّكُمْ كَمَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْخُلَفَاءِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ نَعَمْ وَ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ إِنِّي لَأُحَدِّثُ الْقَوْمَ سَنَاءً سَمِعْتُهُ (ع) يَقُولُ يَكُونُ بَعْدِي مِنَ الْخُلَفَاءِ عِدَّةٌ نُبَاءُ مُوسَى (ع) اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (حلبی، ۱۴۰۴ق، ۴۱۷).

۳- جابر بن سمره گوید: « كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَا يَزَالُ أَمْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ ظَاهِرًا حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً» وَقَالَ كَلِمَةً خَفِيَتْ عَلَيَّ وَكَانَ أَبِي أَدْنَى إِلَيْهِ مَجْلِسًا مِنِّي فَقُلْتُ: مَا قَالَ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۷۱۵/۳).

۴- جابر بن سمره گوید: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ اثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً، ثُمَّ قَالَ: كَلِمَةٌ لَمْ أَفْهَمْهَا، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (ابی عاصم، ۱۴۱۱ق، ۶۲۰/۲).

۳-۶. برخی ویژگی‌ها و خصوصیات عمومی اهل بیت(ع)

بیشترین مضمونی که در بین تمام مضامین پایه استخراج شده و از روایات پیامبر(ص) در کتاب کفایه الاثر به دست آمده است، مربوط به معرفی جایگاه و خصوصیات اهل بیت(ع) و لزوم تبعیت و پیروی از ایشان است که در ۱۳۷ مورد به آن اشاره شده است.

۱-۳-۶. ولایت اهل بیت(ع) همچون کشتی نوح و باب حطه است

در این احادیث، رسول خدا(ص) از روش تمثیل استفاده کرده‌اند که نوعی استدلال منطقی است که با ذکر نمونه و مثال، علاوه بر تسهیل در فهم کلام، اهمیت و جایگاه اهل بیت(ع) را نیز معرفی فرموده‌اند که تبعیت و پذیرش ولایت اهل بیت همچون کشتی نوح و باب حطه است که هرکسی در آنها وارد شود، موجب رستگاری و سعادت وی می‌شود. احادیثی که با این مضمون در کتاب کفایه الاثر آمده بدین شرح است:

حدیث نهم ابوسعید خدری از پیامبر(ص): همانا مثل اهل بیت من در میان شما، همانند کشتی نوح و باب حطه در بنی اسرائیل است. پس بعد از من، به اهل بیت من و امامان هدایت شده از فرزندان من، تمسک جوید که در این صورت حقیقتاً هیچ‌گاه گمراهی را نخواهید دید: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ وَ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَتَمَسَّكُوا بِأَهْلِ بَيْتِي بَعْدِي وَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ دُرِّيَّتِي فَإِنَّكُمْ لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۳۴).

حدیث سوم ابوذر از پیامبر(ص): ابوذر غفاری نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: امامان بعد از من، دوازده نفر هستند؛ نه امام از نسل [امام] حسین(ع) و نهمین آن‌ها، قیام‌کننده ایشان است. سپس فرمود: آگاه باشید! همانا مثل آنان در میان شما مانند کشتی نوح است که هرکس سوار آن شد، نجات یافت و هرکه از آنها سرپیچی کند، هلاک گردد و [مثل آنان] مانند باب حطه در میان بنی اسرائیل است: «رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسَعُهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ وَ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» (همان، ۳۹).

این مضامین در روایات دیگری نیز در کتب حدیثی شیعه و سنی نقل شده است. از جمله:

۱- رسول خدا(ص) به علی بن ابی طالب(ع) فرمود: «مَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَدَّكَ بَعْدِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۲۶۹).

۲- امیرالمومنین در خطبه وسیله اینگونه خود را معرفی می‌کنند: «...أَلَا وَ إِنِّي فِيكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ كَهَارُونَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ وَ كَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَسَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِ نُوحٍ إِنِّي النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۰/۸).

۳- عبّاد بن عبدالله گوید: مردی خدمت امیرالمؤمنین(ع) آمد. امیرالمؤمنین به او فرمود: «وَ اللَّهُ مَا مَثَلْنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ أَوْ كَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ» (مفید، ۱۴۱۳ق-ب، ۱۴۵).

۴- حنش کنانی گوید: ابوذر غفاری را دیدم که درب کعبه را گرفته بود و در این حال می‌گفت: ای مردم! هرکسی مرا میشناسد که میشناسد و هرکسی که نمیشناسد [بداند که] من ابوذر هستم، سپس گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ» (فاکهی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۲/۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۹/۴؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۳۸۱/۳).

۲-۳-۶. اهل بیت(ع) مصداق حدیث ثقلین و ثقل اصغر هستند

پیامبر اسلام در موارد مختلف در طول ۲۳ سال پیامبری خود، در احادیث مختلفی به ارزش جایگاه قرآن و اهل بیت و تبعیت از این دو، اشاره فرموده‌اند که از مهم‌ترین احادیثی که در این رابطه صادر شده، حدیث ثقلین است که با تعبیر مختلفی از حضرت نقل شده است. در کتاب کفایه الاثر نیز این تعبیر آمده است. از جمله:

حدیث پنجم ابوهریره از پیامبر: رسول خدا(ص) فرمود: همانا من دو شیء گران بها در میان شما، بر جای می‌نهم: کتاب خدا [که] هرکس از آن پیروی کند، بر [مسیر] هدایت و هر که ترکش کند، بر [مسیر] گمراهی و ضلالت است. سپس اهل بیت من است؛ خدا را به یادتان می‌آورم درباره اهل بیتم [سه بار آن را تکرار فرمود]. پس به ابوهریره گفتم: پس اهل بیت او همسران ایشان است؟ گفت: خیر! اهل بیت او نسلش و خاندانش هستند و آنها امامان دوازده گانه‌اند، کسانی که خداوند آنان را در آیه: «وَ [ابراهیم] کلمه توحید را، کلمه پاینده‌ای در نسل‌های بعد از خود قرارداد.» یاد کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ اتَّبَعَهُ كَانَ عَلَى الْهُدَى وَ مَنْ تَرَكَهُ كَانَ عَلَى الضَّلَالَةِ ثُمَّ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقُلْتُ لِأَبِي هُرَيْرَةَ فَمَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ نَسَاؤُهُ قَالَ لَا أَهْلَ بَيْتِهِ صَلْبُهُ وَ عَصْبَتُهُ وَ هُمُ الْأَائِمَّةُ الْإِثْنَا عَشَرَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۴۲).

حدیث دوم عمر بن خطاب از پیامبر(ص): عمر بن خطاب نقل کرده که شنیدم رسول خدا(ص) می‌فرمود: ای مردم! همانا من از نزد شما می‌روم، درحالی‌که همانا شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید. حوضی که به اندازه فاصله بین بصری و صنعاء، وسعت دارد؛ حوضی که به تعداد ستارگان جام نقره‌ای دارد و قطعاً چون به کنار حوض آید، من درباره ثقلین از شما خواهم پرسید. پس دقت

کنید که درباره آنها چگونه رفتار می‌کنید. ثقل و دستاویز بزرگ‌تر، قرآن است که یک‌طرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن در دست شماسست، پس به آن تمسک جوید و چنگ زید و در آن تغییر و تبدیل به وجود نیارید و آن دیگری، خاندان من، اهل بیت من است. پس همانا خدای لطیف دانا، مرا آگاه ساخته است که این دو از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر نزد من آیند. عرض کردم: ای رسول خدا(ص)! خاندان شما کیستند؟ فرمود: اهل بیت من از اولاد علی و فاطمه(ع) و نه تن از نسل [امام] حسین(ع) که امامانی نیکوکردارند، اینان خاندان من، از گوشت و خون من هستند: «عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي فَرَطٌ لَكُمْ وَ إِنِّكُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ حَوْضًا عَرَضُهُ مَا بَيْنَ صَنْعَاءَ إِلَى بَصْرَى فِيهِ قَدْحَانِ عَدَدَ النُّجُومِ مِنْ فِضَّةٍ وَ إِنِّي سَأَلْتُكُمْ حِينَ تَرُدُونَ عَلَيَّ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَأَنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا السَّبَبُ الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ طَرَفُهُ يَبْدُ اللَّهُ وَ طَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ وَ لَا تُبَدِّلُوا وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنْ عِترَتِكَ قَالَ أَهْلُ بَيْتِي مِنْ وَوَلِدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ(ع) وَ تَسَعَهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ(ع) أُمَّةٌ الْأَبْرَارِ هُمْ عِترَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۵۲).

در کتب حدیثی دیگر احادیثی دیده می‌شود که مضامین فوق را تائید می‌کند، مانند:

۱- ابوسعید خدری آورده: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (احمد بن حنبل، ۱۷۰/۱۷ق، ۱۷۰/۱۷).

۲- یزید بن حیان گوید با افرادی نزد زید ابن ارقم رفتیم. سپس زید بن ارقم از پیامبر نقل کرد که ایشان فرمودند: «أَمَّا بَعْدُ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوْشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبَ وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ. فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابُ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ: وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، ۱۲۲/۷).

۳- سعد اسکاف گفت از حضرت باقر(ع) درباره حدیث ثقلین پرسیدم. آن جناب فرمود: «لَا يَزَالُ كِتَابُ اللَّهِ وَ الدَّلِيلُ مَنَا يَدُلُّ عَلَيْهِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱/۴۱۸).

حدیث ثقلین یکی از احادیث متواتری است که در کتب حدیثی شیعه و سنی از صحابه پیامبر نقل شده است که این حدیث علاوه بر جایگاه والای اهل بیت، بیانگر عصمت اهل بیت(ع) نیز است. زیرا پیامبر در این حدیث، واژه لم یضلوا را به کار برده است که نفی ابدی ضلالت در تبعیت از قرآن

و اهل بیت را بیان می‌دارد. از این تعبیر فهمیده می‌شود همان‌طور که دستورات قرآن موجب هدایت انسان‌ها می‌شود، دستورات اهل بیت و تبعیت از آنها نیز موجب هدایت انسان‌ها تا روز قیامت می‌شود.

۳-۳-۶. اهل بیت (ع) دارای عصمت و طهارت هستند

در بین خصوصیات که اهل بیت (ع) دارا هستند، حدود ۶۰ مورد پیامبر (ص) در احادیث مختلف به مقام عصمت و طهارت اهل بیت (ع) اشاره فرموده است که به معنی این است که اهل بیت (ع) از هرگونه خطا و اشتباه و گناه پاک هستند و دستوراتشان طبق دستورات خداوند متعال است و هیچ دخل و تصرفی در دستورات الهی توسط اهل بیت (ع) صورت نمی‌گیرد.

حدیث اول زید بن ارقم از پیامبر: زید بن ارقم نقل کرده که شنیدم رسول خدا (ص) به علی (ع) می‌فرمود: امام و خلیفه پس از من، تو هستی و دو پسر، دو نوه من هستند و آن دو، سرور جوانان اهل بهشت هستند و نه تن از نسل [امام] حسین (ع)، امامان معصومند و قائم ما اهل بیت، فقط از ایشان است: «عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لِعَلِيِّ (ع) أَنْتَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَأَبْنَاكَ سِبْطَايَ وَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَتَسَعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) أئِمَّةٌ مَعْصُومُونَ وَمِنْهُمْ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۷۱).

حدیث سوم واثله بن اسقع از پیامبر (ص): واثله بن اسقع نقل کرده که شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود: چون مرا به سوی آسمان بالا بردند و به سدره المنتهی رسیدم، پروردگارم جلّ جلاله مرا مورد خطاب قرارداد؛ پس فرمود: ای محمد (ص)! عرض کردم: بله مولای من! فرمود: همانا من پیامبری را نفرستاده‌ام، جز اینکه وقتی ایام [عمر] او تمام شد، وصی او بعد از وی، امر او را اقامه کرد. پس علی بن ابیطالب (ع) را امام و وصی پس از خودت قرار ده؛ همانا من، شما دو نفر را، از یک نور آفریده‌ام و امامان هدایت‌گر را، از نور شما دو نفر، خلق کرده‌ام؛ ای محمد (ص)! آیا دوست داری آنان را ببینی؟ عرض کردم: آری پروردگار من. فرمود: سرت را بلند کن! پس زمانی که سرم را بلند کردم، ناگاه [چشمم] به انوار امامان پس از خودم افتاد که دوازده نور بودند، عرض کردم: پروردگار من! این انوار چه کسانی است؟ فرمود: انوار امامان بعد از توست که [افرادی] امین و معصومند: «قَالَ أَنْوَارُ الْأئِمَّةِ بَعْدَكَ أُمَّنَاءُ مَعْصُومُونَ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۳۲).

حدیث اول سعد بن مالک از پیامبر (ص): سعد بن مالک نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: ای علی (ع)! تو برای من، به منزله هارون برای موسی هستی جز اینکه بعد از من، پیامبری نیست. بدهی‌های مرا پرداخت می‌کنی و وعده‌های مرا، تو به‌جا آوری و پس از من، بر سر تأویل قرآن می‌جنگی همان‌طور که من بر سر تنزیل آن جنگیدم؛ ای علی (ع)! محبت [به] تو، ایمان و دشمنی [با] تو، نفاق است و همانا خداوند لطیف خبیر مرا آگاه کرد که از نسل [امام] حسین (ع)، نه تن از امامان

را خارج می‌کند؛ آنها معصوم و مطهر هستند و مهدی این امت، فقط از ایشان است؛ [او] کسی است که در آخرالزمان دین را به پا می‌دارد، همان‌طور که من در اول زمان، آن را به پاداشتم: «تَسَعُّهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ مِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُتِمْتُ فِي أَوَّلِهِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۵).

احادیثی که در کتب حدیثی دیگر در این زمینه مشاهده می‌شود. از جمله:

۱- سدیر صیرفی گوید از امام صادق (ع) سوال کردم که شما امامان چه کسانی هستید، حضرت پاسخ دادند: «نَحْنُ خُرَّانُ عِلْمِ اللَّهِ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ أَمْرُ اللَّهِ نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِطَاعَتِنَا وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِنَا نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مِنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقِ الْأَرْضِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۶۹/۱).

۲- علی بن رثاب گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ) أُرَئَيْتَ مَا أَصَابَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ (ع) مِنْ بَعْدِهِ هُوَ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ طَهَارَةٍ مَعْصُومُونَ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَتَوَبُّ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مَائَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ إِنَّ اللَّهَ يَخْصُ أَوْلِيَائِهِ بِالْمَصَائِبِ لِيُجْرَهُمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴۵۰/۲).

۳- سلیم بن قیس گفت: شنیدم که علی بن ابی‌طالب (ع) می‌فرمود: «لَأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يَأْمُرُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَمَرَ بِطَاعَةِ أَوْلِيَ الْأَمْرِ لَأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ» (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ۸۸۴/۲).

۴- از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْقَضِيبِ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ الَّذِي عَرَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِهِ وَ يَكُونُ مَتَمَسِّكًا بِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَ الْأُئِمَّةَ مِنْ وَ لَدِهِ فَإِنَّهُمْ خَيْرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَفْوَتُهُ وَ هُمْ الْمَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۵۷/۱).

از جمله خصوصیات مطرح شده در مورد اهل بیت در کتاب کفایه الاثر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هم‌رتبه بودن امامان با پیامبر، خلقت نوری امامان، لزوم تبعیت از اهل بیت به‌عنوان ثقل اصغر، خاموش نشدن نور اهل بیت توسط دشمنان، عصمت و مطهر بودن امامان، مثال اهل بیت همچون کشتی نوح و باب حطه برای بنی اسرائیل، پاداش محبین و مبغضین به اهل بیت، ذکر نام اهل بیت در کتب آسمانی گذشته، منقش بودن نام اهل بیت بر پایه‌های عرش، ارزش و اهمیت ولایت اهل بیت و... که همگی این موارد به اهمیت و جایگاه ویژه اهل بیت اشاره دارد و پیامبر در موارد متعدد، انسان‌ها را به تبعیت و پیروی از آنها و پذیرش ولایت آنها دعوت و سفارش کرده است.

۷. تحلیل کیفی و توصیفی مضامین جایگاه خاص اهل بیت (ع)

همان‌گونه که در بخش‌های گذشته اشاره شد، جهت‌گیری دوم مضامین احادیث پیامبر (ص) در رابطه با معرفی برخی از ائمه و بیان ویژگی‌ها و خصوصیات آنهاست. در این بخش پیامبر اسلام به‌صورت ویژه به معرفی امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و حضرت مهدی (ع) پرداخته و نکات و مسائل بسیار مهمی را در رابطه با ایشان بیان کرده است. از آنجاکه نکات و ویژگی‌های بیان‌شده در این بخش خیلی گسترده و بسیار است، لذا به دلیل محدودیت حجم مقاله، از بیان آنها خودداری شده و فقط به ذکر چند نکته کوتاه در رابطه با حضرت مهدی (ع) اکتفا می‌کنیم. در میان مجموعه مطالب منقول از پیامبر اسلام تعداد ۹۷ مضمون در مورد امام زمان (ع) بوده است که مهم‌ترین محتوای آن بیان مباحثی در رابطه با ضرورت وجود امام معصوم در هر دوره از زمان و امیدواری انسان‌ها به آمدن منجی و پیاده شدن عدل و قسط در میان کل انسان‌ها می‌باشد. بخش دیگری از مضامین احادیث پیامبر اسلام در رابطه با حضرت مهدی (ع) بدین شرح است:

۱-۷. حضرت مهدی (ع) از نسل پیامبر (ص) و امام حسین (ع)

از میان ۹۷ مضمونی که در مورد امام زمان (ع) است، ۴۰ مضمون به این عنوان مربوط می‌شود که ریشه نسبی امام زمان (ع) را بیان می‌کند مانند:

روایت پنجم ابن عباس از پیامبر (ص): «...وَمِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) تَخْرُجُ الْأَئِمَّةُ التَّسْعَةُ وَمِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ...» و نه تن از امامان از نسل [امام] حسین (ع) هستند که مهدی این امت، فقط از ما اهل بیت (ع) خواهد بود» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۳۰).

روایت اول ابن مسعود: «قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (ع) وَالتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ» ابن مسعود نقل کرده که شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند، نه تن از نسل [امام] حسین (ع) و نهمین آنها، مهدی ایشان است» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۱).

روایت چهارم ابوهریره از پیامبر (ص): «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» قَالَ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ (ع) يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ تَسْعَةٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَمِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ» ابوهریره نقل کرده: از رسول خدا (ص) درباره قول خدای عزوجل: و او [ابراهیم]، کلمه توحید را، کلمه پاینده‌ای در نسل‌های بعد از خود قرارداد» پرسیدم؛ فرمود: [خداوند] امامت را در پشت [امام] حسین (ع) قرارداد که نه تن از امامان، از نسل او خارج شوند و مهدی این امت، از جمله ایشان است» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۵۱).

۲-۷. خصوصیات ویژه حضرت مهدی(ع)

تعداد ۱۸ مضمون در مجموعه روایات کفایه الاثر درباره ویژگی های امام زمان(ع) است که البته در دیگر روایات و منابع حدیثی هم به آنها اشاره شده است مانند:

الف: ایشان شبیه ترین مردم در شمائل، گفتار و کردار به پیامبر(ص) هستند: روایت اول ابن عباس از پیامبر(ص): «وَمَهْدِيٌّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شِمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ...» و مهدی اُمّت من است؛ شبیه ترین مردم به من در خصوصیات ظاهری و گفتار و کردار است»(خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۱۱).

ب: هیبت و کمال موسی، بهاء عیسی و صبر ایوب در وجود امام زمان دیده می شود و نمایان است: روایت دوم سلمان از پیامبر(ص): «وَمَنَا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ لَهُ هَيْبَةٌ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَحُكْمٌ دَاوُدَ وَصَبْرٌ أَيُّوبَ...» و مهدی این اُمّت، فقط از ما اهل بیت(ع) خواهد بود؛ برای اوست هیبت موسی و شکوه عیسی و حکم داوود و صبر ایوب»(خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۳۸).

ج: کسی که نام خداوند را در مشرق و مغرب عالم پراوازه می کند و...: روایت ششم جابر از پیامبر(ص): «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): الْمَهْدِيُّ(ع) مِنْ وَادِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يَقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ يَمَلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا...» جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: مهدی(ع) از فرزندان من است، هم نام و هم کنیه من است، شبیه ترین مردم به من از جهت شکل و شمائل و اخلاق است. برای او غیبت و حیرتی است که اُمّت ها در آن گمراه گردند؛ سپس مانند شهاب ثاقب (ستاره ای بسیار نورانی) ظهور نموده، زمین پُر از ظلم و ستم را، سرشار از عدل و داد می فرماید»(خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۷).

۳-۷. مضامین مربوط به غیبت حضرت مهدی(ع)

تعداد ۹ مضمون نیز به مسأله غیبت حضرت اشاره دارد که موضوعات زیر را شامل می شود:

الف: طولانی بودن غیبت و سرگردانی و حیران بودن مردم در این زمان: روایت اول عایشه از پیامبر(ص): «لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ...» برای او غیبتی است طولانی»(خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۲).

ب: از دست رفتن اعتقادات عده ای از انسان ها: روایت سوم امام حسین(ع) از پیامبر(ص): «لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ...» برای او غیبتی است که باعث می شود قومی درباره او به تردید افتاده و برخی دیگر، همچنان بر باور خود استوار و ثابت بر دین باشند».

ج: ثابت قدم ماندن عده ای در دین و اعتقادات خود را شامل می شود: روایت اول عمار از پیامبر(ص): «يَا عَمَّارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ(ع) تِسْعَةَ وَ النَّاسِعُ

مِنْ وُلْدِهِ يَغِيبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ عَلَيْهَا آخَرُونَ... ای عمار! همانا خدای تبارک و تعالی با من عهد بسته که از نسل [امام] حسین (ع)، نه امام خارج کند و نهمین نفر از فرزندان من، از دید مردم غایب می شود که این کلام خدای عزوجل است: «بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما در زمین فرو رود، پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟!» برای او، غیبتی طولانی است و [همین باعث می شود که] عده ای از [عقیده به] او باز گردند و عده ای دیگر، ثابت قدم بمانند.

۴-۷. مضامین مربوط به ظهور حضرت مهدی (ع)

تعداد ۲۸ مضمون سازمان دهنده نیز در رابطه با ظهور امام زمان (ع)، از روایات پیامبر (ص) استخراج شده است که ایشان بعد از بیان غیبت امام زمان (ع)، مسأله ظهور را مطرح می کنند و مضامین زیر را شامل می شود:

الف: گسترش عدل و داد در زمان ظهور: روایت اول ابن عباس از پیامبر (ص): «فَيُعْلَنُ أَمْرَ اللَّهِ وَيُظْهِرُ دِينَ الْحَقِّ وَيُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَتِهِ اللَّهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا: پس امر [هدایت] الهی را، آشکارا انجام می دهد و دین خدا را به روشنی بیان می فرماید و با نصرت الهی تأیید و توسط فرشتگان یاری می شود؛ پس زمین پر از ظلم و ستم را، سرشار از عدل و داد می فرماید» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۵۱).

ب: آشکار شدن و پیاده شدن دین: روایت دوم امام حسن از پیامبر (ص): «وَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمًا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...: و اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا قائم ما ظهور کند و زمین پر از ظلم و ستم را، سرشار از عدل و داد می فرماید».

ج: نماز گذاردن حضرت عیسی با ایشان و...: روایت پنجم زید بن ثابت از پیامبر (ص): «وَ مِنْهُ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) خَلْفَهُ...: و مهدی این امت که عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می خواند، فقط از ما اهل بیت (ع) خواهد بود».

نتیجه

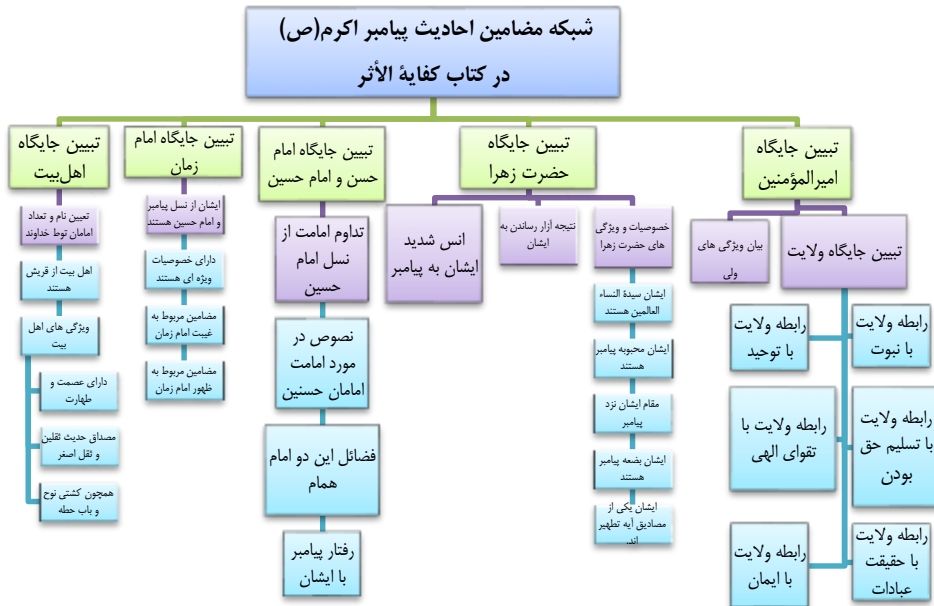
این پژوهش به دنبال آن بود که با استفاده از روش تحلیل مضمون به عنوان یک روش تحقیق میان رشته ای و متن محور، به تحلیل مجموعه احادیث منقول از پیامبر اسلام (ص) در یکی از کتاب های حدیثی پرداخته و بواسطه تحلیل دقیق مضامین آنها و ترسیم شبکه مضامین مرتبط با همدیگر، در نهایت اعتبار محتوایی کتاب را تأیید نماید. به همین منظور احادیث کتاب «کفایه الأثر فی النصوص علی الأئمة اثنی عشر (ع)» اثر خزاز رازی که از جمله اولین کتب حدیثی تألیف شده به صورت

موضوعی در رابطه با اثبات ولایت ائمه اطهار(ع) است، در این پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل مضامین مجموعه احادیث کامل این کتاب نشان داد که از مجموع تعداد ۱۲۵ حدیث منقول از ۲۸ صحابه با موضوع اثبات ولایت و وصایت اهل بیت(ع)، تعداد ۵۷۵ مضمون پایه استخراج شده که در گام دوم، در قالب ۵ مضمون سازمان دهنده دسته‌بندی شدند که عبارتند از: تبیین جایگاه و ویژگی‌های کلی اهل بیت(ع)، تبیین جایگاه امام علی(ع)، تبیین جایگاه حضرت زهرا(س)، تبیین جایگاه امام حسن و امام حسین(ع)، تبیین جایگاه حضرت مهدی(ع).

مجموعه ۵ مضمون سازمان دهنده را می‌توان در دو مضمون فراگیر یا مقوله «تبیین جایگاه کلی اهل بیت(ع)» و «معرفی ائمه شاخص» دسته‌بندی نمود که در این مقاله به دلیل محدودیت حجم کلمات، فقط به بخش ویژگی‌های کلی و عمومی پرداخته شده و صرفاً شبکه مضامین احادیث مرتبط با حضرت مهدی(ع) به عنوان نمونه ارائه گشته است.

آنچه می‌تواند به عنوان نتیجه و یافته نهایی این تحقیق مورد یادکرد واقع شود، اثبات اعتبار محتوایی احادیث این کتاب و تأیید مضامین آن است چرا که در هر بخش، مؤیدات بسیاری از دیگر منابع حدیثی شیعه، مضامین احادیث این کتاب را مورد تأیید قرار می‌دهند. در پایان در پایان شبکه مضامین کلی احادیث این کتاب ترسیم شده است.

اعتبارسنجی منابع حدیثی در پرتو تحلیل مضامین فراگیر
(مطالعه موردی احادیث کتاب کفایه الأثر)



منابع

١. قرآن کریم.
٢. ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٦ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
٣. ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٨ق)، *عیون اخبار الرضا*، تهران: نشر جهان.
٤. ابن حنبل، احمد (١٤٠٣ق)، *فضائل الصحابة*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
٥. ابن حنبل، احمد (١٤٢١ق)، *مسند احمد*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
٦. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٧٩ق)، *مناقب آل أبی طالب*، قم: علامه.
٧. ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (بی تا)، *فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی بن أبی طالب فی النجف*، قم: الرضی.
٨. ابی عاصم، ابوبکر (١٤١١ق)، *الآحاد و المثانی*، ریاض: دارالرایة
٩. امین، سید محسن (١٣٦٨ق)، *اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
١٠. امینی، عبدالحسین (١٤١٦ق)، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب*، قم: مرکز الغدیر.
١١. بحرانی، سید هاشم (١٣٧٨ق)، *الإنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
١٢. بحرانی، سید هاشم (١٤١٣ق)، *مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
١٣. بحرانی، سید هاشم (١٤٢٢ق)، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
١٤. بحرانی، سید هاشم (١٤٢٧ق)، *بجهة النظر فی إثبات الوصایة و الإمامة للأئمة الإثنی عشر*، مشهد: آستان قدس رضوی.
١٥. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
١٦. حر عاملی، محمد بن حسن (١٣٦٢ش)، *الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، تهران: نوید.
١٧. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسة آل البيت.
١٨. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، *اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
١٩. حکیمی، محمدرضا (١٣٨٠ش)، *الحیاء*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

اعتبارسنجی منابع حدیثی در پرتو تحلیل مضامین فراگیر
(مطالعه موردی احادیث کتاب کفایه الأثر)

۲۰. حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم: الهادی.
۲۱. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر*، تصحیح محمدکاظم موسوی و عقیل ربیعی، قم: بیدار.
۲۲. درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴ش)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه ای»، *جستارهای سیاسی معاصر*، شماره ۳، صص ۳۳-۵۳.
۲۳. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، قم: هجرت.
۲۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰ش)، *منطق فهم حدیث*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، *معجم الاوسط*، قاهره: دارالحرمین.
۲۸. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف اشرف: مکتبه الحیدریه.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*، قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دارالثقافه.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعہ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۳. عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰ش)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۱۰، صص ۱۵۷-۱۵۱.
۳۴. عبداللهی عابد، صمد؛ بیات، جمشید (۱۳۹۳ش)، «بررسی عقیده عصمت در روایات کتاب کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر»، *سراج منیر*، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۸۷-۱۰۲.
۳۵. عترت دوست، محمد؛ نصیری، امید؛ غیائی، هادی (۱۳۹۸ش)، «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۱۳، شماره ۲۵، صص ۱۵۹-۱۸۷.

۳۶. فاکهی، ابو عبدالله محمد بن اسحاق (۱۴۱۴ق)، *اخبار مکه*، بیروت، دار خضر.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
۳۸. کبیر مدنی، سید علیخان (۱۴۰۹ق)، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنزالفوائد*، قم: دارالذخائر.
۴۰. کریمیان، سعید؛ مهریزی، مهدی؛ سرشار، مژگان (۱۴۰۰ش)، «ابتناء کتاب کفایه الاثر تألیف خزاز قمی بر کتب شیخ صدوق»، *سفینه*، سال ۱۸، شماره ۷۲، صص ۹۰-۱۱۲.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق-الف)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره بین المللی شیخ مفید.
۴۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق-ب)، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم: کنگره بین المللی شیخ مفید.
۴۵. موسوی بروجردی، سیدحسن (۱۳۹۶ش)، «چرا کار تکراری نکنیم؟ نقدی بر تحقیق کتاب کفایه الاثر خزاز قمی»، *آیین پژوهش*، سال ۲۸، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۲۴.
۴۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *رجال النجاشی*، قم: جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.
۴۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دارالجیل.
49. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp: 80-101.